1شنبه 24/4/1403-298- محرم-6 144 -14ژولای 2024-درس 69اصول فقه الاداره – اصول نظریه پردازی – رکن سوم – سوال پردازی – سری سوم سوالات نظام ساز 4

ج-سوالات نظام پرداز

سومین نوع سوالات از رکن سوم نظریه و نظام که سوال پردازی بود سوال نظام سازانه است و نظام دارای سه بعد است یعنی مبانی ،اصول و اهداف که در چهار محور نظم ،رشد،انگیزش و معنویت که ضرب شود میشود 12 سری سوال نظام ساز

ا- سوالات محور نظم (وظائف اصلی مدیریت )

الف1 سوالات مبنایی

1. جایگاه ربوبیت در مدیریت؟
2. نقش عرش و کرسی در تدبیر نظم آفرین خدا
3. نظم حاکم بر جهان
4. چشم انداز هستی؟
5. نقش انسان در اداره جهان؟
6. هدفمندی هستی؟

ب-1-سوالات اصولی

1. اصول سازماندهی؟
2. اصول برنامه ریزی؟
3. اصول نظارت بر برنامه؟
4. اصول هماهنگی ؟

ج-1-سوالات اهداف

1. اهداف سازماندهی
2. اهداف برنامه ریزی
3. اهداف نظارت و کنترل
4. اهداف هماهنگی؟

اا-سوالات محور رشد(مدیریت منابع انسانی )

ااسوالات مبنایی الف

1. گزینش اصلح در هستی؟
2. توانمندسازی در جهان؟
3. ارزیابی در هستی ؟
4. جبران در جهان؟

ااب-سوالات اصولی

1. اصول انتخاب ؟
2. اصول توانمندسازی ؟
3. اصول ارزیابی عملکرد ؟
4. اصول جبران خدمات؟

ااج سوالات اهدافی

1. اهداف گزینش؟
2. اهداف توانمندسازی؟
3. اهداف ارزیابی عملکرد؟
4. اهداف جبران خدمات؟

ااا-سوالات انگیزش (مدیریت رفتار سازمانی )

الف-ااا-سوالات مبنایی

1- هدایت جهان

2-ارتباطات جهان؟

3-اصلاحات جهان؟

4-حل تعارضات جهان؟

ب ااا- سوالات اصولی

5- اصول هدایت و رهبری

6-اصول ارتباطات؟

7-اصول اصلاحات رفتاری؟

8-اصول حل تعارضات ؟

ج-سوالات اهدافی

9-اهداف رهبری و هدایت ؟

10-اهداف ارتباطات؟

11-اهداف اصلاحات؟

12-اهداف حل تعارضات؟

اااا-سوالات معنویت (مدیریت فرهنگ سازمانی ) (درس 69)

الف اااا- سوالات مبنایی[[1]](#footnote-1)

1. صفات سلبی خدا(جلال)؟
2. صفات ثبوتی(جمال)؟
3. صفات کمالیه؟
4. صفات تقدیسیه؟

ب اااا - سوالات اصولی

1. اصل اصلاح فرهنگ؟
2. اصل اکمال؟
3. اصل مطلوبیت ؟
4. اصل اصرار فرهنگ مطلوب؟
5. اصل تکرار فرهنگ مطلوب؟
6. اصل تدریج فرهنگ مطلوب؟
7. اصل تحکیم فرهنگ مطلوب؟

ج ااااسوالات اهداف

1. اهداف اصرار ؟
2. اهداف تکرار؟
3. اهداف تغییر؟
4. اهداف اصلاح فرهنگ
5. اهداف ایحاد فرهنگ

***نکته*** : نظام متشکل از سه وجه مبانی ،اصول و اهداف است

1. مبانی : عقیدنی و جهان بینی
2. اصول : راهبردهای کلی موصل به اهداف که حاکم بر روش ها و اقدامات هستند .
3. اهداف : منتها و مقاصد راهبرد ها و راه کارها ی اثر بخش

1. صفات جمال و جلال، دو صفت از [صفات خداوند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF" \o "صفات خداوند" \t "_blank) است. [خداوند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF" \o "خداوند" \t "_blank) دو گونه صفات دارد: صفات جمال یا ثبوتیه که ذات احدیت به این صفات کمالیه آراسته است و صفات جلال یا سلبیه که ذات حق از اتصاف به آن منزه است و به همین سبب صفات تنزیه هم گفته می‌شود.

   صفات خداوند، یکی از مباحث مهم [علم کلام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%DA%A9%D9%84%D8%A7%D9%85" \o "علم کلام" \t "_blank) است که اقوال مختلفی در مورد آن مطرح شده است. و در یک تقسیم‌بندی کلّی به دو قسم تقسیم می‌شوند [صفات ثبوتیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AB%D8%A8%D9%88%D8%AA%DB%8C%D9%87" \o "صفات ثبوتیه" \t "_blank)، [جمالیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AC%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87" \o "صفات جمالیه (پیوندی وجود ندارد))، [کمالیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%DA%A9%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87" \o "صفات کمالیه" \t "_blank) و [صفات سلبیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%B3%D9%84%D8%A8%DB%8C%D9%87" \o "صفات سلبیه" \t "_blank)، [جلالیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AC%D9%84%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87" \o "صفات جلالیه" \t "_blank)، [تنزیهیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AA%D9%86%D8%B2%DB%8C%D9%87%DB%8C%D9%87" \o "صفات تنزیهیه (پیوندی وجود ندارد))، [تقدیسیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AA%D9%82%D8%AF%DB%8C%D8%B3%DB%8C%D9%87" \o "صفات تقدیسیه (پیوندی وجود ندارد)).

   **[۷.۱ - صفات ثبوتی و سلبی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C" \l "%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA%20%D8%AB%D8%A8%D9%88%D8%AA%DB%8C%20%D9%88%20%D8%B3%D9%84%D8%A8%DB%8C" \o "صفات ثبوتی و سلبی)**

   [صفات ثبوتیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AB%D8%A8%D9%88%D8%AA%DB%8C%D9%87) آن صفاتى را گويند كه خداوند بدانها متّصف است. اين صفات، از جمال خداوند سخن مى‌گويند و بدين روى آنها را «[صفات جمالیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AC%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87)» نيز گويند.  
   صفات ثبوتیه، جمالیه، [کمالیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%DA%A9%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87): مقصود آن دسته از صفاتی هستند که کمالی از کمالات خداوند را بیان کرده و جنبۀ ثبوتی و وجودی دارند و نبود آنها نوعی نقص برای خدا محسوب می‌شود. مانند: [علم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85" \o "علم" \t "_blank)، [قدرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA" \o "قدرت" \t "_blank)، [حیات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA" \o "حیات" \t "_blank) و... از آنجا که این صفات با واقعیت ثبوتی و کمالی خود، مایۀ جمال و زیبایی موصوف‌اند «صفات جمالیه» نیز نامیده می‌شوند.  
   ۲- [صفات سلبیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%B3%D9%84%D8%A8%DB%8C%D9%87)، [جلالیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AC%D9%84%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%87)، [تنزیهیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AA%D9%86%D8%B2%DB%8C%D9%87%DB%8C%D9%87)، [تقدیسیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AA%D9%82%D8%AF%DB%8C%D8%B3%DB%8C%D9%87): آن دسته از صفاتی هستند که نقص و کاستی را از خدا نفی می‌کنند. از آنجا که نقص و کاستی، خود نوعی سلب و نبود کمال است. وقتی ما نبود و سلب کمال را از خدا نفی کنیم به اثبات می‌رسیم. مثلاً [جهل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D9%84" \o "جهل" \t "_blank) به معنای سلب علم است و سلب جهل به معنای اثبات علم که خود نوعی کمال است می‌باشد و به این ترتیب همۀ صفات سلبیه به صفات ثبوتیه بازگشت می‌کنند. صفات سلبیه مانند: غیر جاهل، غیر عاجز و....  
   این صفات از آن جهت که وجود خدا را از کاستی‌ها منزّه می‌کنند، صفات تنزیهیّه و تقدیسیّه نیز نامیده می‌شوند و نیز از آن جهت که شان خداوند برتر و اجلّ از این است که به نقص و کاستی متصف شود، صفات جلال نیز نامیده می‌شوند.

   [امام‌ خمینی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%E2%80%8C_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C" \o "امام‌ خمینی" \t "_blank) صفات الهی را به اعتبار ثبوت صفتی برای حق‌تعالی یا تنزه او از آنها، به صفات ثبوتی و سلبی تقسیم می‌کند. ایشان میزان در تقسیم صفات به ثبوتیه و سلبیه را ثبوت آنها برای اصل حقیقت وجود و عدم آن می‌داند؛ بنابراین صفاتی که به اصل وجود بازمی‌گردند، صفات ثبوتی‌اند. پس آنچه به عین هویت هستی و ذات نوری وجودی رجوع می‌کند از صفات لازم الثبوت و واجب التحقق است؛ زیرا اگر ثابت نباشند، لازم می‌آید ذات مقدس حق صرف وجود و محض هستی نباشد و این در مشرب عرفان و مسلک برهان باطل است.

   [[۱۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C" \l "foot15)

    اما صفاتی که از ذات وجود نباشند و به حدود و [ماهیت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A7%D9%87%DB%8C%D8%AA" \o "ماهیت" \t "_blank) اشیاء بازگردند و به عبارتی هر صفت و نعتی که برای موجود ثابت نباشد مگر پس ‌از تنزل آن به مرتبه‌ای و تعینی و تطوری از مراتب قصور و تلازم آن با حدی از حدود فتور و به حدود و ماهیات رجوع کند، این‌چنین صفاتی لازم السلب و ممتنع التحقق در ذات کمال علی‌الاطلاق می‌باشند؛ زیرا که ذات کامل مطلق و [صرف وجود](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D8%B1%D9%81_%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF" \o "صرف وجود (پیوندی وجود ندارد)) چنانچه مصداق صرف کمال است مصدوق علیه سلب نقایص و حدود و اعدام و ماهیات است.

   [[۱۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C" \l "foot16)

    امام‌ خمینی این کلام حکما را که صفات سلبیه را به سلب سلب ارجاع می‌دهند، به این معنا که حق‌تعالی فاقد نقایص امکانی است، نقد می‌کند و معتقد است اثبات [صفات سلبی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%B3%D9%84%D8%A8%DB%8C" \o "صفات سلبی" \t "_blank) برای حق‌تعالی مستلزم ترکیب در ذات حق و جهات امکانی در آن است و حال‌آنکه حق‌تعالی از آن منزه است؛ بنابراین حق‌تعالی از [صفات سلبیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%B3%D9%84%D8%A8%DB%8C%D9%87) مبرا و تنها متصف به [صفات ثبوتیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%AB%D8%A8%D9%88%D8%AA%DB%8C%D9%87) است

   [[۱۷]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C" \l "foot17)

    اگرچه حق‌تعالی را می‌توان مصداق بالعرض این صفات دانست؛ به این معنا که چون خداوند مصداق بالذات «عالِم» است در نتیجه مصداق بالعرض «لیس بجاهل» خواهد بود.

   [[۱۸]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%81%D8%A7%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C" \l "foot18) [↑](#footnote-ref-1)